

Handwritten Arabic calligraphy, likely a signature or decorative element, featuring stylized letters and dots.

90727



دانشگاه علامه طباطبائی

دانشکده ادبیات فارسی و زبان های خارجی

## بررسی و توصیف گویش سرخه ای

نگارش: حسن یعقوبی

استاد راهنما: دکتر اورنگ ایزدی

استاد مشاور: دکتر سید محمد ترابی

پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد

در رشته زبان و ادبیات فارسی

تیر ۱۳۸۶

۱۱ / ۲ / ۱۳۸۷

استاد

۹۵۶۳۶

**فرم گردآوری اطلاعات پایان نامه ها**  
**کتابخانه مرکزی دانشگاه علامه طباطبائی**

عنوان: بررسی و توصیف گویش سرخه ای	
نویسنده / محقق: حسن یعقوبی	
مترجم: -	
استاد راهنما: دکتر اورنگ ایزدی	استاد مشاور / استاد داور: دکتر سیدمحمد ترابی
کتابنامه: دارد	واژه نامه: دارد
نوع پایان نامه: <input type="checkbox"/> بنیادی <input type="checkbox"/> توسعه ای <input type="checkbox"/> کاربردی	
مقطع تحصیلی: کارشناسی ارشد	سال تحصیلی: ۸۵-۸۶
محل تحصیل: تهران نام دانشگاه: علامه طباطبائی دانشکده: ادبیات فارسی و زبان های خارجی	
تعداد صفحات: ۱۵۱	گروه آموزشی: زبان و ادبیات فارسی
کلید واژه ها به زبان فارسی: گویش_گویش سرخه ای_صرف_نحو_واژه نامه_ضرب المثل	
کلیدواژه ها به زبان انگلیسی: dialect - sorkhei dialect - morphology - syntax - lexicon - proverb	

## چکیده

الف. موضوع و طرح مسئله (اهمیت موضوع و هدف) :

موضوع این پژوهش، بررسی و توصیف گویش سرخه ای است. هدف از گویش شناسی، گردآوری و توصیف علمی آن است. بررسی گویش ها از ابعاد مختلف زبانی، ادبی، جامعه شناسی و تاریخی اهمیت دارد. از آنجا که با گسترش آموزش همگانی و رسانه های گروهی، به تدریج، زبان رسمی جایگزین گویش ها و زبان های محلی می شود، بررسی و توصیف علمی این گویش ها از جمله گویش سرخه ای، بسیار حائز اهمیت می باشد.

ب. مبانی نظری شامل مرور مختصری از منابع، چارچوب نظری، و پرسشها و فرضیه ها:

از آنجا که تا کنون تحقیق جامعی پیرامون گویش سرخه ای انجام نشده، منابع پربراری جهت استفاده موجود نیست و تنها جسته و گریخته مطالبی در این باره در کتاب های مختلف آمده است. از این رو مهمترین منبع، گویشورانی اند که هنوز به این گویش سخن می گویند و سرخه ای اصیل را فراموش نکرده اند.

بررسی نظام آوایی، صرفی و نحوی این گویش، چارچوب کار را تشکیل می دهد که در آن باید به ویژگی های آوایی، صامت ها و مصوت های این گویش، قواعد صرفی، ساخت جمله و روابط کلمات در آن پرداخته شود.

پ. روش تحقیق شامل تعریف مفاهیم، روش تحقیق، جامعه مورد تحقیق، نمونه گیری، ابزار اندازه گیری، نحوه اجرای آن، شیوه گردآوری و تجزیه و تحلیل داده ها:

گویش: گونه هایی از یک زبان را که از لحاظ آوایی، واژگانی و نحوی تفاوت هایی با هم دارند، گویش می گویند. گویش ها در واقع زبان هستند اما چون رسمی نیستند به آنها زبان اطلاق نمی شود.

گویشور: کسی که به گویش منطقه مورد نظر صحبت می کند و متولد و ساکن آنجاست.

پیکره زبانی: مجموعه اطلاعات و مواد زبانی که از طریق پرسش از گویشوران و... گردآوری می شود.

بررسی نظام آوایی: استخراج واج ها و ارائه فهرست صامت ها و مصوت ها و مسائل و نکات موجود در این رابطه.

بررسی نظام صرفی: بررسی ساختمان درونی واژه ها.

بررسی نظام نحوی: بررسی رابطه اجزای جمله با یکدیگر و جای کلمه در جمله.

برای بررسی این گویش ، نخست پیکره زبانی آن از طریق پرسشنامه مصوب فرهنگستان زبان و ادب فارسی، همچنین مصاحبه با گویشوران تهیه گردید. پرسشنامه مذکور در بردارنده اطلاعاتی مربوط به گویشور، گویش، واژه های متعلق به حوزه های مختلف و نمونه هایی از جملات گوناگون بود. پس از آنکه پیکره زبانی فراهم شد، به بررسی و توصیف نظام آوایی ، صرفی و نحوی این گویش پرداخته شد. همچنین در پایان ، فرهنگ واژگان و تعدادی ضرب المثل سرخه ای ضمیمه کار گردید.

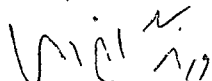
ت. یافته های تحقیق:

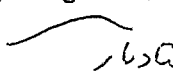
در این پژوهش ضمن بررسی و توصیف نظام آوایی ، صرفی و نحوی گویش سرخه ای ، ویژگی ها و نکات مهم و جالب توجهی بدست آمد. وجود مصوت های خاص در این گویش، ویژگی های حروف اضافه ، صرف افعال ، مسائل نحوی ، ویژگی ارگتیو در ماضی افعال متعدی و ... که هر کدام از این موارد جای تامل و تحقیق دارد.

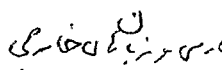
ث. نتیجه گیری و پیشنهادها:

بررسی و توصیف علمی گویش ها، کاری است قابل توجه و ضروری؛ چراکه بسیاری از این گویش ها در حال نابودی است و اگر غفلت صورت گیرد، اثری از آنها بر جای نخواهد ماند. بررسی گویش ها به شناخت آداب و رسوم و اوضاع فرهنگی و اجتماعی گویشوران ، فراهم آوردن مواد لازم برای مطالعات و پژوهش های آینده ، کمک به تهیه اطلس زبان شناسی ایران، شناخت روابط موجود میان گویش ها و ... کمک بسیاری می کند. امید است پژوهشگران و دانشجویان عزیز از این مهم غفلت نورزند و با توجه به اینکه گویش های بسیاری در شهرها و روستاهای سراسر کشور وجود دارد که پیرامون آنها تحقیق جامعی صورت نگرفته است، نسبت به بررسی و توصیف علمی آنها اقدام نمایند.

صحت اطلاعات مندرج در این فرم بر اساس محتوای پایان نامه و ضوابط مندرج در فرم را گواهی می نمایم.

نام استاد راهنما: 

سمت علمی:  استادیار

نام دانشکده:  ریس، مرکز زبان و ادب فارسی

رئیس کتابخانه:

تقدیم به

مردم شریف زادگاہم سُرخہ

## چکیده

سرخه یکی از شهرهای استان سمنان است که در فاصله ۲۰ کیلومتری جنوب غربی شهر سمنان در حاشیه کویر نمک قرار دارد. گویش سرخه ای را در گروه گویش های حاشیه دریای خزر و زیرمجموعه گویش های ایرانی نو غربی یا ایرانی شمال غربی می دانند.

این پژوهش شامل سه فصل اصلی نظام آوایی، صرف و نحو و همچنین واژه نامه و تعدادی ضرب المثل به گویش سرخه ای می باشد. از آنجا که تا کنون تحقیق جامعی پیرامون این گویش انجام نشده و منابع پرباری در این موضوع موجود نیست، نگارنده کوشیده است با تلاش، بررسی و مطالعه در این گویش، ویژگی های آوایی، صرفی و نحوی آن را استخراج نموده، در قالب این پایان نامه، به دستداران فرهنگ و ادبیات این مرز و بوم تقدیم نماید. سعی شده در معرفی این ویژگی ها، با ارائه مثال های مختلف، زمینه بهره مندی بیشتری برای مخاطبان و پژوهشگرانی که آشنایی کمتری با این گویش دارند، فراهم آید. واژه نامه ای نیز شامل نزدیک به ۱۰۰۰ واژه و همچنین ۳۰ ضرب المثل سرخه ای، ضمیمه این پایان نامه می باشد. در واژه نامه مذکور سعی شده واژگانی آورده شود که اصالت دارند و از آوردن واژه هایی که از فارسی به این گویش راه یافته اند - هرچند دچار تغییراتی نیز گردیده اند- خودداری شده است.

کلید واژه: گویش - گویش سرخه ای - صرف - نحو - واژه نامه - ضرب المثل

## فهرست

۱	راهنمای نشانه ها
۲	مقدمه
	<b>فصل اول - نظام آوایی</b>
۶	۱-۱ صامت ها
۹	۲-۱ مصوت ها
۹	۳-۱ مصوت های مرکب
۱۳	جدول صامت ها و مصوت ها
	<b>فصل دوم - صرف</b>
۱۵	۱-۲ اسم
۱۵	۱-۱-۲ اسم مفرد و جمع
۱۶	۲-۱-۲ دگرگونی اسامی خاص در گویش سرخه ای
۱۶	۳-۱-۲ معرفه و نکره
۱۷	۴-۱-۲ انواع اسم از نظر ساخت
۱۸	۵-۱-۲ اتباع
۱۹	۶-۱-۲ اسم صوت
۱۹	۷-۱-۲ اسم مصغر
۲۰	۸-۱-۲ مصدر
۲۰	۹-۱-۲ اسم مصدر
۲۱	۲-۲ ضمیر
۲۱	۱-۲-۲ ضمیر شخصی
۲۳	۲-۲-۲ ضمیر اشاره
۲۴	۳-۲-۲ ضمیر پرشی
۲۵	۴-۲-۲ ضمیر ملکی
۲۵	۵-۲-۲ ضمیر مبهم



۲۵	۶-۲-۲ ضمیر مشترک
۲۶	۷-۲-۲ ضمیر تعجبی
۲۶	۳-۲ صفت
۲۶	۱-۳-۲ انواع صفت از نظر مفهوم
۲۶	۱-۱-۳-۲ صفت بیانی
۳۰	۲-۱-۳-۲ صفت منفی
۳۰	۳-۱-۳-۲ صفت اشاره
۳۱	۴-۱-۳-۲ صفت شمارشی
۳۱	۵-۱-۳-۲ صفت پرسشی
۳۲	۶-۱-۳-۲ صفت مبهم
۳۲	۷-۱-۳-۲ صفت تعجبی
۳۲	۸-۱-۳-۲ صفت تفضیلی و عالی
۳۴	۲-۳-۲ انواع صفت از نظر ساختمان
۳۴	۴-۲ قید
۳۴	۱-۴-۲ انواع قید از نظر معنی
۳۵	۵-۲ شبه جمله
۳۶	۶-۲ ندا
۳۶	۷-۲ عدد
۳۶	۱-۷-۲ اعداد اصلی
۳۷	۲-۷-۲ اعداد ترتیبی
۳۸	۳-۷-۲ اعداد کسری
۳۸	۴-۷-۲ اعداد توزیعی
۳۹	۸-۲ حرف
۳۹	۱-۸-۲ حرف ربط
۴۰	۲-۸-۲ حرف اضافه

۴۲	۲-۸-۳ حرف نشانه
۴۲	۲-۹ وندهای غیر فعلی
۴۶	۲-۱۰ فعل
۴۶	۲-۱۰-۱ انواع فعل از نظر زمان
۴۶	۲-۱۰-۱-۱ فعل مضارع
۴۷	الف - مضارع اخباری
۴۸	ب- مضارع ملموس
۴۹	ج- مضارع التزامی
۵۲	د- فعل امر
۵۳	ه- فعل مستقبل
۵۳	۲-۱۰-۱-۲ فعل ماضی
۵۳	ویژگی ارکتیو
۵۴	الف- ماضی ساده
۵۵	ب- ماضی نقلی
۵۷	ج- ماضی بعید
۵۸	د- ماضی ابعد
۵۹	ه- ماضی استمراری
۵۹	و- ماضی نقلی مستمر
۶۰	ز- ماضی ملموس
۶۰	ح- ماضی التزامی
۶۱	۲-۱۰-۲ فعل از نظر معلوم و مجهول
۶۳	۲-۱۰-۳ فعل از نظر لازم و متعدی
۶۴	۲-۱۰-۴ افعال کمکی
۶۷	۲-۱۰-۵ افعال خاص
۶۹	۲-۱۰-۶ وندهای فعلی

۷۰	۷-۱۰-۲ فعل های پیشوندی
۸۰	۸-۱۰-۲ فعل مرکب
۸۱	۹-۱۰-۲ عبارت فعلی
۸۱	۱۰-۱۰-۲ فعل لازم یک شخصه
۸۱	۱۱-۱۰-۲ فعل نفی
۸۵	۱۲-۱۰-۲ فعل نهی
	<b>فصل سوم - نحو</b>
۸۷	۱-۳ ساختار جمله
۸۹	۲-۳ انواع گروه ها در جمله
۸۹	۱-۲-۳ گروه اسمی
۹۳	۲-۲-۳ گروه قیدی
۹۴	۳-۲-۳ گروه حرف اضافه
۹۴	۳-۳ کارکرد نحوی حرف ربط
۹۵	۴-۳ کارکرد نحوی ضمیر
۹۶	۵-۳ تطابق نهاد و فعل
۹۶	۶-۳ انواع جمله
۹۶	۱-۶-۳ انواع جمله از نظر وجه
۹۷	۱-۱-۶-۳ جمله خبری
۹۷	۲-۱-۶-۳ جمله پرسشی
۹۷	۳-۱-۶-۳ جمله امری
۹۷	۴-۱-۶-۳ جمله التزامی
۹۸	۲-۶-۳ انواع جمله از نظر فعل
۹۸	۳-۶-۳ جمله معترضه
۹۹	۴-۶-۳ انواع جمله از نظر ساختمان
۹۹	۱-۴-۶-۳ جمله ساده

۹۹	۳-۶-۴-۲ جمله مرکب
۹۹	۳-۶-۵ جمله پایه و پیرو
۱۰۰	۳-۶-۵-۱ انواع جمله پیرو
۱۰۰	۳-۶-۵-۲ جمله شرطی
۱۰۱	۳-۶-۵-۳ تطابق زمان در جمله های پایه و پیرو
۱۰۱	۳-۷ منفی سازی جمله
۱۰۲	۳-۸ حذف در جمله
۱۰۵	۳-۹ انواع جمله از نظر آهنگ
۱۰۵	۳-۱۰ تأکید در جمله
	<b>پیوست ها</b>
۱۰۸	واژه نامه
۱۴۶	ضرب المثل های سرخه ای
۱۵۰	کتابنامه

### راهنمای نشانه‌ها :

صامت	معادل آوایی فارسی	صامت	معادل آوایی فارسی
b	ب	ž	ژ
p	پ	č	چ
m	م	j	ج
f	ف	k	ک
v	و	g	گ
t	ت-ط	x	خ
d	د	q	ق-غ
n	ن	r	ر
s	س-ث-ص	l	ل
z	ز-ض-ظ	y	ی
š	ش	h	ه-ح

صوت	معادل آوایی فارسی	مثال فارسی	مثال سرخه ای	توضیحات
â	آ	آب	âl (دهان)	پسین و باز مانند «آ» در فارسی با این تفاوت که دهان در هنگام ادای آن بازتر است.
ô	بین آ و آ*	-	ôsm (اسپ)	* پسین و باز که با لبهای گرد ادا می شود.
u	او	دوست	dut (دختر)	پسین و بسته
ü	او*	-	tü (توت)	* مانند u با این تفاوت که در جایگاه پیشین تولید می شود.
i	ای	میز	žir (زیر)	پیشین و بسته مانند «ای» در فارسی اما گسترده
a	ا	دست	šat (شیر)	پیشین و باز
e	ا	زشت	eze (دیروز)	پیشین و نیم بسته
âw	آو	-	gâw (گاو)	مصوت مرکب
ôw	آو	دو	šôw (شب)	مصوت مرکب
ew	او	-	bewrüt (گریخت)	مصوت مرکب
ey	ای	دی	šey (پیراهن)	مصوت مرکب
uy	اوی	موی	bešuy (رفته است)	مصوت مرکب

∅ : صفر

گویش‌ها می‌توانند از دیدگاه زبان‌شناسی، زبان به شمار آیند، اما چون رسمی نیستند نام زبان بر آنها اطلاق نمی‌شود. گویش‌های یک زبان در واقع گونه‌هایی از آن زبان هستند که از لحاظ آوایی، واژگانی و نحوی تفاوت‌هایی با یکدیگر دارند. اگر این تفاوت‌ها تنها آوایی باشد، آن گونه‌ها را لهجه می‌نامند. (فتحی ۱) با گسترش آموزش همگانی و رسانه‌های گروهی، کم‌کم زبان رسمی، جایگزین گویش‌های محلی می‌شود و دیری نمی‌پاید که گویش‌های محلی از بین می‌روند. گویش‌های محلی، منبعی بسیار غنی برای پژوهش‌های زبانی، ادبی، جامعه‌شناسی و تاریخی می‌باشند. برخی از فواید گردآوری گویش‌ها عبارتند از: شناخت واژه‌های کهن در متون ادب فارسی، آگاهی از چگونگی دگرگونی‌های آوایی، صرفی، نحوی، معنایی و واژگانی در طول زمان در مناطق مختلف، طبقه‌بندی دقیق‌تر زبان‌ها و گویش‌های ایرانی و شناخت روابط موجود میان آنها، شناخت آداب و رسوم، باورها و اوضاع فرهنگی و اجتماعی گویشوران، کمک به تهیه اطلس زبان‌شناسی ایران، فراهم نمودن مواد لازم برای مطالعات تطبیقی - تاریخی، فراهم آوردن مواد ایرانی تبار برای واژه‌سازی و واژه‌گزینی در زبان فارسی و ثبت گویش‌های روبه‌زوال برای استفاده پژوهشگران آینده.

سرخه یکی از شهرهای استان سمنان است که در فاصله ۲۰ کیلومتری جنوب غربی شهر سمنان در حاشیه کویر نمک قرار دارد. سرخه از جنوب با کویر نمک، از شمال با مهدی شهر و فیروزکوه، از غرب با گرمسار و از شرق با سمنان همسایه است. جمعیت سرخه، بالغ بر ۱۰ هزار نفر می‌باشد. وجه تسمیه این شهر را وجود کوه‌های سرخ در اطراف آن گفته‌اند، اما نظرهای دیگری هم مطرح است که بیشتر به افسانه می‌ماند تا حقیقت.

«ابن رُسته» از اولین جغرافی نویسان جهان اسلام، بیش از هزار و صد سال پیش، در کتاب «اعلاق النقیسه»، نام این دیار کهن را در کنار شهر سمنان ثبت کرده است. مسجد چهل ستون سرخه نیز یادگار آن سالهاست. لاسگرد، افتر، بیابانک، مؤمن آباد، اسد آباد و اروانه از روستاهای سرخه می باشند که گویش های متفاوت این روستاها از نکات جالب توجه است. سرخه یکی از شهرهای کهن منطقه قومس است. منطقه ای که به تعبیر دکتر منوچهر ستوده، جزیره لهجه هاست و کانون گویش های اصیل ایران. (ستوده ۱)

گویش سرخه ای را در گروه گویش های حاشیه دریای خزر و زیرمجموعه گویش های ایرانی نو غربی می دانند. (رضایی باغ بیدی ۴) م.ارانسکی نیز در طبقه بندی خود، گویش سرخه ای را در گروه زبان های ایرانی شمال غربی قرار داده و معتقد است زبان ها و گویش های شمال غربی از گویش هایی گرفته شده اند که در دوره باستان در بخش شمال و شمال غربی فلات ایران رواج داشته اند. (ارانسکی ۱۶۲)

به هر حال گویش سرخه ای ریشه در فارسی باستان دارد و ردپای فارسی باستان هنوز در جای جای این گویش آشکار است. بسیاری از واژگان، هنوز همان گونه که در فارسی میانه تلفظ می شده اند، بکار می روند و برخی از ویژگی های صرفی نیز گواهی دیگر بر این سخن است.

از آنجا که تا کنون تحقیق جامعی پیرامون این گویش انجام نشده و تنها در کتابهایی به صورت جسته و گریخته اشاره هایی بدان شده که گاه اشتباهاتی نیز در آنها به چشم می خورد، مرا بر آن واداشت که موضوع پایان نامه خود را به بررسی و توصیف گویش سرخه ای اختصاص دهم. این جستار بیشتر حاصل تلاش نگارنده و راهنمایی استادان گرانقدر بوده و کتاب ها و منابع اندک موجود، کمک چندانی در این مسیر نرسانده اند.

این پژوهش شامل سه فصل اصلی: نظام آوایی، صرف و نحو و همچنین فرهنگ واژگان و تعدادی ضرب المثل به گویش سرخه ای می باشد. واژه نامه مذکور شامل نزدیک به ۱۰۰۰ واژه می باشد. در این واژه نامه سعی شده واژگانی آورده شود که اصالت دارند و از آوردن واژه هایی که از فارسی به این گویش راه یافته اند - هرچند دچار تغییراتی نیز گردیده اند - خودداری شده است. در بخش ضرب المثل ها نیز سعی شده ضرب المثل هایی انتخاب شوند که در زبان فارسی، معادل ندارند. جا دارد از راهنمایی های عالمانه و مشفقانه استاد عزیزم جناب آقای دکتر اورنگ ایزدی استاد راهنمای پایان نامه، که انگیزه و تلاشم را در این راه مضاعف ساخت، همچنین از جناب آقای دکتر سیدمحمد ترابی استاد مشاور و جناب آقای دکتر بشیری مدیر محترم گروه ادبیات فارسی و نیز راهنمایی های ارزنده سرکار خانم دکتر مدرسی از استادان محترم گروه زبان شناسی صمیمانه سپاسگزاری و تشکر نمایم.



فصل اول:

# نظام آوایی

۱- صامت ها :

**b** : (ب) دولبی ، انسدادی و واکدار است و در آغاز ، میان و آخر کلمات می آید.

bâle (بیل) - esbi (سفید) - turub (تُرب)

**p** : (پ) دولبی ، انسدادی و بی واک است و در آغاز ، میان و پایان کلمات می آید.

pârâ (پس فردا) - lôpak (پهن) - tûp (توپ)

**m** : (م) دولبی و خیشومی است و در آغاز ، میان و پایان کلمات می آید.

mâni (مادر) - âmârat (کود حیوانی) - dîm (صورت)

**f** : (ف) لبی-دندانی ، سایشی و بی واک است و در آغاز ، میان و آخر کلمات می آید.

fôxt kôrdôn (کمین کردن) - kilif (کلوخ) - suflin (دیگ) - pûf (فوت)

**v** : (و) لبی-دندانی ، سایشی و واکدار است و در آغاز و میان کلمات می آید.

vôrg (گرگ) - sôve (سبد) - tûp (توپ)

**t** : (ت - ط) دندانی-لثوی ، انسدادی و بی واک است و در آغاز ، میان و پایان کلمات می آید.

tâše (ته دیگ) - pištîn (سنجد) - xût (حوض)

**d** : (د) دندانی-لثوی ، انسدادی و بی واک است و در آغاز ، میان و پایان کلمات می آید.

dezâr (دیوار) - mudbôq (مطبخ) - qôd (قد)

**n** : (ن) دندانی-لثوی و خیشومی است و در آغاز ، میان و پایان کلمات می آید.

nemârû (ظهر) - dennône (زنبور) - dôrin (اتاق)

**s** : (س - ث - ص) دندانی-لثوی ، سایشی و بی واک است و در آغاز ، میان و پایان کلمات می

آید.

serd (نردبان) - môsin (بزرگ) - dôs (ده)

**z** : ز- ذ- ض- ظ) دندانی- لثوی ، سایشی و واکدار است و در آغاز ، میان و پایان کلمات می آید.

zâmâ (داماد) - muzumbal (آب انبار) - hüz (گردو)

**š** : (ش) کامی- لثوی، سایشی و بی واک است و در آغاز ، میان و پایان کلمات می آید.

šü (شوهر) - ešnüš (عطسه) - vâš (کاه)

اگر در واژه ای این صامت، پس از t بیاید ، به č تبدیل می شود.

beffât+šôn - beffâtčôn (زدند)

**ž** : (ژ) کامی- لثوی، سایشی و واکدار است و در آغاز ، میان و پایان کلمات می آید.

žak (زن «همسر») - nâvažâ (نگو) - enduž (نوچ)

**č** : (چ) کامی- لثوی ، انسدادی- سایشی و بی واک است و در آغاز ، میان و پایان کلمات می آید.

čavir (چادر) - vôče (بچه) - lurč (چروک)

گاه این واج، وقتی با کلمه ای دیگر می پیوندند، ž , š یا š تلفظ می شود. مانند : heč به معنی هیچ،

وقتی با vôtq (وقت) می آید، این گونه تلفظ می شود : hej vôtq (هیچ وقت) یا heč با kin این

گونه تلفظ می شود: heškin (هیچ کس)

علت آن است که واج بعدی به سبب واکداربودن، واج قبلی را با خود همگون و واکدار می کند.

**ž** : (ج) کامی- لثوی، انسدادی- سایشی و واکدار است و در آغاز ، میان و پایان کلمات می آید.

žigâ (جا) - nâlenjôn (ناودان) - verenj (برنج)

گاه این صامت، در برخی از واژگان ، ž تلفظ می شود. مانند : xôdije (خدیجه) که این گونه تلفظ

می شود : xôdiže

**k** : (ک) نرمکامی، انسدادی و بی واک است و در آغاز ، میان و پایان کلمات می آید.

kâre (تره) - dukkey (دختر) - kalak (خریزه)

گاه این واج، وقتی با کلمه ای دیگر می پیوندد، g تلفظ می شود. مانند : žak به معنی زن ، وقتی با

berâ (برادر) می آید، این گونه تلفظ می شود : žag berâ (برادر خانم)

g : (گ) نرمکامی ، انسدادی و واگذار است و در آغاز ، میان و پایان کلمات می آید.

gulme (غوزه پنبه) - nôge (ناقص) - vîlg (برگ)

x : (خ) نرمکامی، سایشی و بی واک است و در آغاز ، میان و پایان کلمات می آید.

xâh (خواهر) - pâxus (چاق) - mâx (ماچ - بوسه)

q : (ق-غ) ملازی ، انسدادی و واگذار است و در آغاز ، میان و پایان کلمات می آید.

qâšuk (قاشق) - nâfâqâl (ناگهان) - sôqat (غلیظ)

r : (ر) لثوی و لرزشی است و در آغاز ، میان و پایان کلمات می آید.

rüş (رقیق) - ôsru (اشک) - vôr (برف)

l : (ل) لثوی-دندانی و کناری است و در آغاز ، میان و پایان کلمات می آید.

lâlka (کفش) - čelâ (چراغ) - tôl (تلخ)

y : (ی) کامی ، لغزشی و نیم واکه است و در آغاز ، میان و پایان کلمات می آید.

yôkkeyki (به تنهایی) - eyne (جمعه) - ley (لگد)

h : (ه - ح) چاکنایی و سایشی است و در آغاز کلمات می آید. این واج معمولا در وسط کلمات

بکار نمی رود ، اگر هم بکار برود ، معمولا به صورت همزه تلفظ می شود.

hik hik (سکسکه) - hâle (خاله)